

تسليم

گروه بين الملل خبرگزاری تسنيم

نگاهی به تغییر نظام
نوین جهانی؛

افول یانکی ها



کشور باید قوی شود تا در پدید آوردن نظم جدید جهانی ایفای نقش کند



خبیر گزاری تسنیم: رهبر معظم انقلاب گفت: کشور باید قوی شود تا در پدید آوردن نظم جدید جهانی ایفای نقش کند. استفاده از همه ظرفیت‌های داخلی و خارج راه تقویت کشور است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح امروز (پنج‌شنبه) در دیدار نمایندگان مجلس خبرگان، با ارائه تحلیلی جامع از شرایط جهان، منطقه و کشور و نشانه‌های شکل‌گیری «نظم جدید» در دنیا، به تبیین علل اصلی متزلزل شدن پایه‌های «فکری و عملی» تسلط غرب و نظم کنونی جهان پرداختند و تأکید کردند: در این برهه حساس مهم‌ترین وظیفه، افزایش اقتدار کشور برای تأثیر گذاری و نقش‌آفرینی در فرایند شکل‌گیری نظم جدید جهانی است که این افزایش اقتدار

مبتنی بر سه پایه اصلی «علم و فناوری»، «اقتصاد» و «فرهنگ» است.

رهبر انقلاب اسلامی خاطر نشان کردند: وحدت و همدلی نیاز اساسی کشور است و وظیفه همه، حمایت از دولت و دستگاه‌های اجرایی است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ابتدای این دیدار با تجلیل از شخصیت بسیار ارزنده آیت‌الله مهدوی کنی رئیس مجلس خبرگان، برای شفا‌ی عاجل ایشان دعا و ضمن گرامیداشت یاد نمایندگان که در ماه‌های اخیر به رحمت حق رفته‌اند، همگان را به بهره‌گیری از برکات ماه ذی‌القعدة به‌عنوان ماه توبه و بازگشت به خداوند متعال توصیه کردند.

امام خامنه‌ای سپس به بیان تحلیل کلان از شرایط کنونی جهان، منطقه و کشور

پرداختند و گفتند: تحولات کنونی حاکی از تغییر نظم جهانی ۷۰ ساله پایه‌گذاری شده به‌وسیله غربی‌ها اعم از اروپا و آمریکا، و شکل‌گیری نظم جدید است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به دو پایه «فکری و ارزشی» و «نظامی و سیاسی» نظم مستقر در جهان در هفتاد سال گذشته اشاره کردند و افزودند: تحولات سال‌های اخیر جهان و منطقه، آشکارا نشان می‌دهد که هر دو پایه اقتدار غرب دچار چالش و متزلزل جدی شده‌اند. ایشان به پایه «فکری و ارزشی» نظام غرب اشاره کردند و گفتند: غربیها در طول سال‌های متمادی با طرح شعارهای جذاب و فریبنده ای همچون «آزادی»، «دموکراسی»، «حقوق بشر» و «دفاع از انسانها»، تلاش کردند تا برتری ارزشی نظام خود را بر سایر مناطق جهان و ادیان مختلف

به ویژه دین اسلام تثبیت کنند که متأسفانه در دنیای اسلام برخی افراد و شخصیت‌ها و دولت‌ها تحت تأثیر این شعارها، معتقد به برتری ارزشهای مورد ادعای غرب شدند و این تفکر همچنان طرفدارانی دارد. رهبر انقلاب اسلامی در خصوص پایه «سیاسی و نظامی» تمدن غرب نیز خاطر نشان کردند: اگر ملت‌ها، دولت‌ها و یا جریان‌هایی تحت تأثیر نظام ارزشی مورد ادعای غرب قرار نمی‌گرفتند و در مقابل آن ایستادگی می‌کردند، با آنها از طریق فشار سیاسی و نظامی برخورد می‌شد که موارد متعددی از این فشارها در کشورهای مختلف از جمله ایران وجود داشته است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: نظام غرب با استفاده از دستگاه‌های تبلیغاتی که روز به روز توسعه می‌یافتند و مدرن‌تر نیز می‌شدند، این دو

پایه اصلی را به رخ ملت‌ها می‌کشید و تلاش می‌کرد تا صاحبان فکر و روشنفکران و ملت‌ها را اقناع کند که نظام ارزشی غرب، برترین نظام در دنیا است.

ایشان با اشاره به متزلزل جدی هر دو پایه نظم جهانی غرب در شرایط کنونی، به بیان عوامل به چالش کشیده شدن مبانی «فکری و ارزشی» و یا همان سلطه معنوی غرب پرداختند و گفتند: بحران اخلاقی رو به افزایش در غرب همچون رواج پوچی و بی‌پهلوگی و ناامنی روحی بخصوص در میان جوانان، متزلزل شدن بنیان خانواده، جهت‌گیری غلط در خصوص موضوع «زن» و زیر سؤال رفتن جدی جریان فمینیست، و ارزش‌شدن منکراتی همچون همجنس‌گرایی و ضد ارزش شدن مخالفت با منکرات، اولین عامل به چالش کشیده شدن مبانی «فکری

و ارزشی» نظام غرب است.

رهبر انقلاب اسلامی، گرایش روز افزون به مذهب به ویژه اسلام و توجه به قرآن را در غرب، دومین عامل برشمردند و با اشاره به بروز تعارض‌های عملی در شعارهای مورد ادعای غربی‌ها، افزودند: غرب که دائماً از آزادی و حقوق بشر و دموکراسی می‌زد، در عمل این شعارها را نقض کرد بگونه‌ای که امروز طرح این شعارها از جانب غرب به یک امر مستهجن تبدیل شده است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به آمار تعجب‌برانگیز حمایت غرب از کودتاها بر ضد دولتهای مستقل خاطر نشان کردند: براساس برخی گزارشها، آمریکا، از بعد از جنگ جهانی دوم، برای سرنگونی ۵۰ دولت اقدام و با دهها جریان مقاومت مردمی مخالفت کرده است.



ایشان، استفاده امریکا از بمب اتم و کشتار دویست هزار نفر در ژاپن، برپایی زندان های گوانتانامو، ابوغریب و دهها زندان مخفی در اروپا را نمونه های دیگری از تعارض میان شعارهای فریبنده غربی ها و عمل آنها دانستند و گفتند: استفاده از زور و خشونت و سرکوب از جمله تحریم در مقابل ملتها و دولتهای مخالف سلطه، استفاده از ترور و راه انداختن جریانهای تروریستی و لشکرکشی های نظامی بویژه حمله به عراق و

افغانستان و حملات مکرر به پاکستان، چهارمین عامل تزلزل مبانی «فکری و ارزشی» نظام غرب است. رهبر انقلاب اسلامی پنجمین و آخرین عامل به چالش کشیده شدن ارزش ها و شعارهای مورد ادعای غربی ها را جریان سازی هایی همچون «القاعده و داعش» دانستند و افزودند: اگر چه غربی ها و بویژه امریکایی ها ادعای کنند که این جریان ها به آنها ارتباطی ندارند اما براساس شواهد مختلف، تردیدی وجود ندارد که این

جریان ها به دست قدرت های غربی و عوامل منطقه ای آنها ساخته شده اند. حضرت آیت الله خامنه ای تأکید کردند: این عوامل، نظام ارزشی غربی ها را که مدعی برتری آن نیز هستند، به شدت به چالش کشیده است و دیگر کسی شعار طرفداری از حقوق بشر و دموکراسی و آزادی را از آنها نمی پذیرد. ایشان سپس به بیان عوامل به چالش کشیده شدن پایه «اقتدار نظامی و سیاسی» غرب پرداختند و گفتند: مهمترین عامل در تزلزل این

اقتدار، برپایی یک نظام مبتنی بر تفکرات اسلامی و حرکت انقلابی در ایران، به عنوان یکی از مناطق بشدت تحت نفوذ امریکا، بود که این نظام در مقابل حملات گوناگون و متنوع سیاسی، نظامی، امنیتی و اقتصادی غرب، نه تنها از بین نرفت بلکه اکنون مقتدرتر نیز شده است. رهبر انقلاب، نظام جمهوری اسلامی را یک نظام مقتدر و در عین حال مظلوم خواندند و افزودند: ایستادگی هشت ساله ملت ایران در دفاع مقدس، موضوع کوچکی نیست

زیرا نشان داد که توانایی های نظامی و امنیتی قدرتهای مسلط، قادر نیستند از ایستادگی یک ملت بکاهند. حضرت آیت الله خامنه ای حوادث منطقه از جمله جنگ ۳۳ روزه لبنان، جنگ های ۲۲ روزه و هشت روزه غزه و جنگ اخیر ۵۰ روزه در غزه را از مسائل تأثیر گذار در تزلزل اقتدار نظامی و سیاسی غرب دانستند و تأکید کردند: جنگ اخیر در غزه نمونه ای معجزه آسا است زیرا ایستادگی مردم در یک منطقه کوچک و محدود، موجب شد تا

رژیم صهیونیستی که نماد قدرت غرب در منطقه است به زانو در بیاید و مردم غزه با وجود اصرار رژیم صهیونیستی برای پذیرش آتش بس، آن را تا برآورده شدن شروط خود نپذیرفتند. ایشان با اشاره به دیدگاه برخی افراد صاحب نفوذ در غرب مبنی بر اینکه گزینه نظامی، دیگر گزینه معتبر و با صرفه ای برای غربی ها نیست افزودند: معنی این سخن، این است که توانایی های نظامی و امنیتی غرب، کاملاً به چالش کشیده شده است.

آغاز شمارش معکوس برای افول آمریکا...



خبرگزاری تسنیم: عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گفت: الان فصلی است که گفتمان انقلاب اسلامی و اسلام ناب محمدی (ص) را باید با زبان‌های زنده دنیا و با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و ارتباطی نوین مطرح کنیم. آیت‌الله عباس کعبی با اشاره به فرمایشات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری جهانی در خصوص هندسه نوین جهانی گفت: محور اصلی فرمایشات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، هندسه نوین جهان بود و ایشان ارزیابی خودشان را از جنگ جهانی اول و دوم و تحولات جهانی تا پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از آن ادامه دادند و در نهایت به این ارزیابی

رسیدند که دو پایه نظم جهانی از اول تا کنون متزلزل شده است که یک پایه «فکری و ارزشی» و پایه دوم «توانمندی‌های سیاسی و نظامی» است و ادله مبسوطی در این رابطه بیان کردند که ناظر به واقعیت‌های امروز جهان است. وی افزود: در مقابل تفکرات و اندیشه‌های غرب، هندسه انقلاب اسلامی و تحولات بعد از انقلاب اسلامی به عنوان عامل بنیادین در چالش فکر مغرب زمین و نظم امروز جهان ظهور و بروز داشته است که واقعیت امروز جهان است و اگر این واقعیت را خوب درک کنیم، متوجه می‌شویم اندیشه کسانی که به فکر تسلیم داوطلبانه در مقابل غرب هستند یک خطای راهبردی است و در مقابل آن، راهبرد پایه‌ای در

مورد تحولات امروز جهان، تولید اقتدار بر محورهای علم و فناوری، اقتصاد و فرهنگ است. عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به ارتباط مستقیم علما و نخبگان با مردم برای بحث‌های تبیینی و اغنایی در این رابطه تأکید کرد و اظهار داشت: خود غربی‌ها به این جمع‌بندی رسیدند که شمارش معکوس افول آمریکا و تمدن غربی آغاز شده است و در آینده حدوث علم، ایمان و قدرت فکری رخ خواهد داد. آیت‌الله کعبی با بیان اینکه قدرت ایمان در اندیشه‌های تابناک امام (ره)، رهبر معظم انقلاب و گفتمان انقلاب اسلامی تبلور دارد، تصریح کرد: گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه فرهنگی، اقتصادی، علمی و فناوری، اجتماعی، سیاسی و دفاعی

و امنیتی می‌تواند به عنوان گفتمان جایگزین دموکراسی غربی و تمدن غربی مطرح باشد، زیرا جمهوری اسلامی که امروز قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را بدون اتکا عمل به قدرت‌های غربی پیدا کرده است، آتش بیاران عرصه قدرت و سلطه را به انفعال کشیده است. وی افزود: اگر جمهوری اسلامی فعال عمل کند و در همه عرصه‌ها گفتمان انقلاب اسلامی به صورت فعال در سطح جهان مطرح شود و همچنین از لحاظ داخلی نیز استحکام ساخت درونی قدرت صورت گیرد، افق‌های آینده برای تمدن نوین اسلامی کاملاً روشن است و تحلیل مقام معظم رهبری نیز در واقع ناظر به تحقق تمدن اسلامی است. عضو مجلس خبرگان رهبری با بیان

اینکه امروز بی‌ثباتی و انفعال حاکم در منطقه ناشی از عدم کارآیی نظام سلطه است، گفت: این وضعیت نشان می‌دهد اوضاع در حال درگونی است و مشخص است که غرب دچار بحران استراتژیک، خانواده، اقتصاد، امنیت، اجتماعی، اخلاقی، انسانی و جایجایی ارزش‌ها شده است، بنابراین الان فصلی است که گفتمان انقلاب اسلامی و اسلام ناب محمدی (ص) را باید با زبان‌های زنده دنیا و با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و ارتباطی نوین مطرح کنیم. آیت‌الله کعبی با اشاره به اینکه رسانه‌های غربی با تبلیغات شیطانی یک پوششی از بحران‌های غرب ایجاد کردند و واقعیت‌ها را برعکس به مسلمانان و منطقه نشان می‌دهند، اظهار داشت:

گفتمان انقلاب اسلامی به زبان زنده دنیا خوب معرفی نمی‌شود، از سوی دیگر نیز حرکت‌های خود آمریکایی‌ها و نظام سلطه برای بدنام کردن اسلام و اسلام‌هراسی باعث شد آنچه که حرکت به سمت اسلام در مغرب زمین است، کند شود. وی با تأکید بر اینکه باید گفتمان انقلاب اسلامی را به عنوان گفتمان حیات‌بخش و گفتمان برتر در سطح بین‌الملل مطرح کنیم، تصریح کرد: جمهوری اسلامی باید حقیقت را به دولت‌ها، ملت‌ها، نخبگان و انسان‌های آزادی‌خواه و تشنه حقیقت معرفی کند و در این راه از ظرفیت‌های انقلاب اسلامی، اعم از ظرفیت‌های فکری، جغرافیایی، دفاعی امنیتی و ... به خوبی استفاده کند.

نظم نوین جهانی؛ عمارتی برافراشته بر ستون‌های فروپاشیده...



رهبر انقلاب اسلامی روز پنجشنبه در تحلیلی کلان‌اثر شرایط کنونی جهان، منطقه و کشور فرمودند تحولات کنونی حاکی از تغییر نظم جهانی ۷۰ ساله‌ی پایه‌گذاری شده بوسیله غربی‌ها اعم از اروپا و آمریکا، و شکل‌گیری نظم جدید است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به دو پایه «فکری و ارزشی» و «نظامی و سیاسی» نظم مستقر در جهان در هفتاد سال گذشته اشاره کردند و افزودند: تحولات سالهای اخیر جهان و منطقه، آشکارا نشان می‌دهد که هر دو پایه اقتدار غرب دچار چالش و زلزله جدی شده‌اند.

ایشان به پایه «فکری و ارزشی» نظام غرب اشاره کردند و گفتند: غربیها در طول سالهای متمادی با طرح شعارهای جذاب و فریبنده‌ای همچون «آزادی»، «دموکراسی»، «حقوق بشر» و «دفاع از انسانها»، تلاش کردند تا برتری ارزشی نظام خود را بر سایر مناطق جهان و ادیان مختلف به ویژه دین اسلام تثبیت کنند که متأسفانه در دنیای اسلام برخی افراد و شخصیت‌ها و دولت‌ها تحت تأثیر این شعارها، معتقد به برتری ارزشهای مورد ادعای غرب شدند و این تفکر همچنان طرفدارانی دارد.

رهبر انقلاب اسلامی درخصوص پایه

«سیاسی و نظامی» تمدن غرب نیز خاطرنشان کردند: اگر ملتها، دولت‌ها و یا جریان‌هایی تحت تأثیر نظام ارزشی مورد ادعای غرب قرار نمی‌گرفتند و در مقابل آن ایستادگی می‌کردند، با آنها از طریق فشار سیاسی و نظامی برخورد می‌شد که موارد متعددی از این فشارها در کشورهای مختلف از جمله ایران وجود داشته است.

در این گزارش چگونگی افول نظم نوین جهانی در این دو محور را مورد بررسی قرار خواهیم داد. برای نیل به این هدف لازم است ابتدا سیر تاریخی پیدایش مفهوم نظم جهانی و بسترها و سازمان‌های زمینه‌ساز ایجاد آنها و سپس چگونگی افول آنها را بررسی کنیم.

مفهوم نظم نوین جهانی

از واژه «نظم نوین جهانی» در وهله‌های مختلف تاریخی برای اشاره به تغییرات محسوس صورت گرفته در تفکرات سیاسی و موازنه قدرت بین کشورها استفاده شده است. علی‌رغم تفاسیر مختلف از آن، مهم‌ترین معنای آن در قاموس سیاسی تشکیل حکومتی جهانی برای کشف، درک یا حل مشکلاتی در جهان هستند که دولت-ملت‌ها به تنهایی قادر به حل آنها نیستند.

درباره نظم نوین جهانی پس از پایان دوران جنگ سرد بحث و جدل‌های زیادی

صورت گرفته است. «میخائیل گورباچوف» و «جورج بوش پدر» روسای جمهور کشورهای شوروی و آمریکا از این واژه برای تعریف ماهیت دوران پس از جنگ سرد و ماهیت همکاری بین‌ابرقدرت‌ها که امیدوار به تحقق آن بودند استفاده کردند. فرمول‌بندی اولیه گورباچوف از نظم نوین جهانی بسیار گسترده و ایده‌آل‌گرا بود اما بحران‌های داخلی ایجاد شده در شوروی باعث شد وی نتواند طرح‌های خود در این باره را پیش ببرد. دیدگاه جورج بوش، اما، محدودتر و واقع‌گرایانه‌تر و در مواقعی کاربردی‌تر بود و به گونه‌ای طراحی شده بود تا پاسخگوی نیازها و مقتضیات ایجاد شده در جنگ خلیج فارس باشد.

پیشینه‌های تاریخی نظم نوین جهانی

پس از پایان جنگ جهانی اول بسیاری احساس می‌کردند جهان با روش‌های گذشته قابل اداره نیست. توجیهات ارائه شده برای جنگ جهانی اول، علاوه بر منافع ملی دولت آمریکا، ارزش‌های اخلاقی را در بر می‌گرفت و قرار بود جهان به مکانی امن‌تر برای پیشبرد موازین دموکراسی تبدیل شود.

پس از این جنگ، ویلسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا خواستار ایجاد یک نظم نوین جهانی با اصولی فراتر از سیاست‌های

قدرت‌های بزرگ و با در نظر گرفتن امنیت همگانی و دموکراسی جمعی شده بود. اما در این سال مجلس سنای آمریکا با عضویت آمریکا در «سازمان مجمع اتفاق ملل» که بعد از جنگ جهانی اول ایجاد شده بود مخالفت کرد. عضویت در این سازمان برای ایجاد نظم نوین جهانی مورد اشاره رئیس‌جمهور وقت آمریکا اهمیتی کلیدی داشت. وقتی مشخص شد «سازمان مجمع اتفاق ملل» که در سال ۱۹۲۰ برای رسیدن به اهدافی نظیر خلع سلاح، جلوگیری از جنگ، رفع مشاجره بین کشورها و مفاهیمی از این دست تشکیل شده بود نتوانسته موفقیتی در رسیدن به انتظارات پیش از حد ایده‌آل‌گرایانه‌اش به دست آورد، استفاده از مفهوم نظم نوین جهانی هم رو به کاهش گذاشت.

استفاده‌های گاه و بیگاه و پراکنده از این مفهوم تا زمان پس از دوران جنگ جهانی دوم ادامه داشت تا اینکه در این زمان تشکیل برخی نهادهای بین‌المللی در راستای منافع امنیتی آمریکا نظیر «سازمان پیمان آتلانتیک شمالی» (ناتو)، «صندوق بین‌المللی پول» و «بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه» بار دیگر عبارت نظم نوین جهانی را بر سر زبان‌ها انداخت. بسیاری می‌گفتند این نهادهای بین‌المللی ویژگی‌های نظم

نوین جهانی مورد اشاره آمریکا را دارا هستند

در سال ۱۹۴۰ کتابی با همین عنوان نگاشته شد که در آن درباره جهانی ایده‌آل و به دور از جنگ و مبتنی بر نظم و قانون، در نتیجه تشکیل سازمان‌های جهانی سخن به میان آمده بود. در سال‌های پس از دوران جنگ سرد مفهوم نظم نوین جهانی چندین بار تحول پیدا کرد تا اینکه جورج بورش پدر در ۱۱ سپتامبر سال ۱۹۹۰ مفهومی از آن ارائه کرد که به کاربردهای امروزی این عبارت بسیار شبیه است. در سال‌های پس از اتمام جنگ خلیج فارس، «جورج بوش پدر» اقدام جامعه بین‌الملل در کویت را نمونه‌ای از موفقیت این نظم نوین دانست. توافق اولیه شوروی برای اقدام نظامی علیه صدام حسین نشانه‌ای از پیوستن این کشور به جامعه بین‌الملل در چارچوب نظامی جدید قلمداد شد که صدام در آن نه تنها با اقدام آمریکا، بلکه با جامعه بین‌الملل روبرو شد. از اینجا بود که ایده نظم نوین جهانی به مفهوم امروزی شکل گرفت.

جورج بوش پدر بعد از جنگ خلیج فارس خاطرنشان کرد «آمریکا از اینجا به بعد متعهد خواهد بود وظیفه رهبری جامعه جهانی را در سطحی بی‌سابقه همانند بحران عراق به عهده بگیرد و این کشور باید در

مواقع امکان برای دستیابی به منافع ملی‌اش در چارچوب همکاری با کشورهای متحدش و جامعه بین‌المللی تلاش کند.» پس از آن جورج بوش در ۱۱ سپتامبر سال ۱۹۹۰ اظهاراتی را با عنوان «پیش به سوی یک نظم نوین جهانی» مطرح کرد که همان چیزی است که آمریکا در سال‌های گذشته به سوی آن خیز برداشته اما اکنون بیش از هر زمان دیگر به چالش کشیده شده است. حل و فصل غیرنظامی مناقشات بین‌المللی از طریق دادگاه‌های بین‌المللی، تأکید بر اصول جهانی حقوق بشر، تشکیل دادگاه بین‌المللی لاهه و تمرکز بر تجارت و سرمایه‌گذاری آزاد برخی از محورهای دکترین جورج بوش برای نظم نوین جهانی بود. بالاتر از همه اینها قرار بود نظم نوین جهانی بر اجرای قانون در سطح بین‌الملل تأکید کند و این ایده را ترویج دهد که قوانین بین‌المللی و نهادهای قانونی بایستی منبع اصلی سازمان‌دهی و نظم جهان باشند. اینکه چنین نظمی پس از فروپاشی شوروی شکل گرفت به هیچ وجه تصادفی نبود، چرا که این اتفاق آمریکا را به تنها ابرقدرت منطقه تبدیل می‌کرد. اما اکنون بر اثر اضمحلال قدرت آمریکا و توانایی این کشور برای اجرای ارزش‌ها و منافعش در برون از مرزهای خود، این نظم در حال فروپاشی است.



در آن زمان آمریکایی‌ها تصور می‌کردند که نظم نوین جهانی نشان دهنده رضایت کشورهای خارجی برای پذیرش یک نظام بعدی نشان داد این کشورها در واقع در برابر کشوری که ابرقدرت به حساب می‌آمد سر تعظیم فرود آورده بودند. اکنون با حذف این ابرقدرت از صحنه، هنجارهایی که این کشور در پی ترویج آنها بود هم به وضعی مشابه دچار شده‌اند. در زیر به برخی از محورهایی اشاره می‌کنیم که این هنجارها در دو حوزه «فکری و ارزشی» و «نظامی و سیاسی» زیر سوال رفته‌اند.

۱- دادگاه‌های بین‌المللی

اولین ستون نظم نوین جهانی تشکیل دادگاه‌های بین‌المللی بود تا کشورهای از آنها برای حل و فصل مناقشاتشان را با رجوع به آنها حل و فصل کنند. برجسته‌ترین نمود چنین دادگاه‌هایی دادگاه بین‌المللی جنایی، یکی از نهادهای سازمان ملل بود که در سال ۱۹۴۵ تأسیس شد. در دهه ۱۹۹۰ پیش از ۱۰۰ کشور مکانیسمی را برای حل و فصل اختلافات بر سر موانع بازرگانی را ایجاد کردند. در همان دهه بود که «دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای» برای رسیدگی به شکایت‌های طرح شده در اختلافات دریایی ایجاد شد.

با این حال، علی‌رغم اینکه چنین نهادهایی به حل مناقشات کمک کرده‌اند اکنون دیگر این موضوع بر کسی پوشیده نیست که آرمان حل و فصل اختلافات از مسیر ارجاع نهادهای قضایی به عنوان کانال جایگزین جنگ با شکست مواجه شده‌است. دادگاه بین‌المللی جنایی در برخی پرونده‌های جزئی موفق بوده است اما هنگامی که منافع قدرت‌های بزرگ در خطر بوده رأی آن نادیده گرفته شده

است. به عنوان مثال این دادگاه در یک پرونده اختلاف نیکاراگوئه با آمریکا در سال ۱۹۸۶ حکمی علیه آمریکا صادر کرد اما واشنگتن به سادگی این حکم را نادیده گرفت و از ادامه حضور در دادگاه خودداری کرد.

در حال حاضر کشورهای روسیه و چین در روابط با کشورهای همسایه مشکل دارند، اما هر دوی آنها از ارجاع این پرونده‌ها به دادگاه‌های بین‌المللی خودداری می‌کنند. در کل، در حال حاضر کشورهای قدرتمندتر چون به دنبال آن هستند که قدرت و نفوذشان را با اثرگذاری بر کشورهای خارجی یا نواحی همجوار افزایش دهند، تمایلی برای رجوع به این دادگاه‌ها ندارند و آنها کارکردشان را از دست داده‌اند.

۲- قوانین حقوق بشر

دومین ستون نظم نوین جهانی، وضع موازین حقوق بشر است. در قوانین بین‌المللی حقوق بشر تصریح شده تمامی کشورها بایستی به حقوق شهروندانشان احترام بگذارند، اما در همان حال، سبک زندگی و موارد مورد تأکید در این قوانین به گونه‌ای است که تناسبی با ویژگی‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی بسیاری از جوامع ندارد و با انتقادات زیادی از جانب کشورهای مختلف روبرو شده است. کشورهایمانند ایران، کوبا، روسیه، چین، ونزوئلا و بسیاری کشورهای دیگر خواستار آن هستند که حقوق بشر در چارچوب تعهدات مذهبی، سنتی و عملی جوامع خود آنها تعریف و اعمال شود، نه طبق موازینی که مبتنی بر سبک زندگی غربی هستند.

علاوه بر این، شواهد زیادی اکنون در دست است که نشان می‌دهد خود کشورهای غربی هم به

کنوانسیون‌های حقوق بشری که امضا کرده‌اند پایبند نبوده‌اند. به عنوان مثال، آمریکا بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر از روش‌هایی برای شکنجه متهمان استفاده کرده که به وضوح در قوانین حقوق بشر منع شده‌اند. شکست موازین حقوق بشر غرب را در تنگنای دشواری قرار داده است. هنگامی که کشورهای غربی طبق اعتقادات خودشان کشوری را به نقض آشکار این قوانین متهم می‌کنند - مانند موارد کشورهای بالکان، راوندا، عراق، لیبی، سودان و سوریه - در این تنگنا قرار می‌گیرند که یا این موارد که نقض حقوق بشر می‌نامند را نقض کنند (که در این صورت به تعهداتشان پایبند نبوده‌اند) و یا اینکه از گزینه‌های نظامی استفاده کنند که در آن صورت هم تعهداتشان برای حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران‌ها را نادیده گرفته‌اند.

۳- عدالت بین‌المللی

سومین ستون نظم نوین جهانی، عدالت بین‌المللی است، یعنی این ایده که افراد، به ویژه رهبران کشورها یا کسانی که مرتکب جنایاتی مانند شکنجه یا نسل‌کشی می‌شوند باید در محاکم قضایی بین‌المللی محاکمه شوند. دادگاه‌های محاکمه نورنبرگ و توکیو هرگز بعد از دوران جنگ سرد تکرار نشدند. در دهه ۱۹۹۰ سازمان ملل دو دادگاه برای محاکمه افراد متهم در جنگ بالکان و نسل‌کشی راوندا برگزار کرد. در سال ۲۰۲ یک معاهده بین‌المللی از طرف ۱۳۹ کشور برای ایجاد دادگاه بین‌المللی موقت موسوم به «دادگاه بین‌المللی لاهه» امضا رسید.

اما دادگاه بین‌المللی لاهه نیز کارکرد خاصی نداشته است. دادگاه‌های مربوط به یوگسلاوی و راوندا از تب و تاب افتاده‌اند.

این دادگاه با آنکه در چندین پرونده حکم کرده، اما اکنون بیش از هر زمان دیگری آشکار است که نهادی بیش از یک سازمان حاشیه‌ای نخواهد بود. در حال حاضر به نظر می‌رسد تنها کشورهای ضعیف آفریقایی از این دادگاه می‌ترسند و رهبران این کشورها هم از تمرکز انحصاری این دادگاه بر روی آنها تنفر دارند. نتیجه چنین وضعی این است که دادگاه بین‌المللی لاهه به عنوان ابزاری در دستان امپریالیست‌ها دیده شده است. روسیه، چین یا آمریکا در این دادگاه محاکمه نمی‌شوند، چون دولت‌های آنها معاهده مورد نظر را امضا نکرده‌اند. علاوه بر این، دادگاه بین‌المللی لاهه برای ادامه حیات به حمایت کشورهای بزرگ نیازمند است و به این دلیل آزدن آنها را در راستای منافعش نخواهد دید.

۴- تجارت و سرمایه‌گذاری آزاد

تجارت و سرمایه‌گذاری آزاد، چهارمین محور نظم نوین جهانی است. بعد از جنگ جهانی دوم، کشورهای غربی وارد یک قرارداد قانونی موسوم به «توافقنامه کلی تعرفه‌ها و بازرگانی» شدند که آنها را ملزم می‌کرد به مرور تعرفه‌هایشان را کاهش دهند. این قرارداد در دهه ۱۹۹۰ با تشکیل سازمان تجارت جهانی تقویت شد. تلاشهایی هم برای اعمال کنترل‌های قانونی بر سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی انجام شد و کشورهای ثروتمند به سرمایه‌گذاری در کشورهای فقیر ترغیب شدند. در دهه‌های گذشته صدها قرارداد دوجانبه سرمایه‌گذاری امضا شده‌اند که هم از سرمایه‌گذاری‌ها حمایت می‌کنند و هم امکان ارجاع پرونده‌های اختلاف به دادگاه‌ها را فراهم می‌آورند. تجارت یکی از نقطه‌های روشن

محیط بین‌المللی فعلی به شمار می‌رود. کشورها از سیاست «حمایت‌گرایی» یعنی سیاست اقتصادی جلوگیری از تجارت بین کشورها از طریق وضع تعرفه بر کالاهای وارداتی، محدودسازی حجم واردات و شماری دیگر از ضوابط دولتی، مشابه آنچه در قبل از جنگ جهانی دوم وجود داشت، حمایت نمی‌کنند. مکانیسم‌های حل اختلاف سازمان تجارت جهانی کماکان پابرجا هستند. اما تلاش برای بهبود در وضعیت گذشته کماکان معلق مانده‌اند. قوانین سرمایه‌گذاری هم با برخی موانع روبرو شده‌اند چرا که کشورها به حکم‌های قضایی صادر شده از طرف هیئت‌های قضایی حل اختلاف بی‌توجهی کرده‌اند. در دهه ۱۹۹۰ که خوش‌بینی‌ها از قوانین بین‌المللی اوج گرفته بود محافل علمی احساس می‌کردند با یک معما روبرو هستند که باید به آن پاسخ دهند. چهار ستون نظام قانونی جدید مبتنی بر یک جهان‌بینی بود که بسیاری از کشورهای غیرغربی مانند چین و روسیه از قبل با آن مخالف بودند. بنابراین معمایی که آنها با آن روبرو بودند این بود که چه چیزی باید این کشورها که از اساس با این قوانین سختی ندارند به تبعیت از آنها وادار کند. در دوران قبل از جنگ سرد، آمریکا و تا اندازه‌ای کمتر، اروپا ابرقدرت‌هایی محسوب می‌شدند که کشورها از ترس مواجهه با آنها از این قوانین تبعیت می‌کردند. اما اکنون که نظام جهان از حالت تک قطبی خارج شده و آمریکا به دلایلی که در قسمت بعدی این گزارش خواهیم دید، دیگر تنها قدرت به حساب نمی‌آید کشورها دلیلی برای تبعیت از قوانینی که سختی با فرهنگ آنها ندارد نمی‌بینند.

توسعه و
تقویت منابع
قدرت موجب
نقش آفرینی ایران
در نظم جدید
جهانی می‌شود



افزایش عمق استراتژیک جهانی
موجب نقش آفرینی ایران در
نظم جدید جهانی می‌شود



خبرگزاری تسنیم: معاون وزیر خارجه گفت: بهترین راه پیشبرد سیاست خارجی ما این است که به اقتصاد مقاومتی که پایه اقتصادی داخلی دارد، تکیه کنیم که یکی از آنها سرمایه ایرانیان داخل و خارج از کشور است. حسن قشقاوی در گفت‌وگو با تسنیم با اشاره به فرمایشات مقام معظم رهبری مبنی بر افزایش قدرت کشور برای نقش آفرینی در نظم جدید جهانی اظهار داشت: باید تمامی مولفه‌های قدرت اعم از منابع مادی و معنوی قدرت، توسعه یابد و تقویت شود. بخشی از منابع مادی قدرت، خدادادی است و بخشی دیگر می‌تواند با تلاش انسانی تقویت شود؛ اعم از رشد و تولید ناخالص ملی، گسترش سرمایه‌گذاری اقتصادی، کاهش بیکاری و افزایش اشتغال، افزایش صادرات غیرنفتی و توجه به گسترش علم دانش و رشد موانع علمی کشور. وی با بیان اینکه باید به منابع معنوی قدرت نیز توجه شود، تصریح کرد: ایدئولوژی الهام بخش اسلام، انسجام ملی و همچنین تقویت ارتباط میان دولت، ملت و حاکمیت در همه زمینه‌ها، باید در این حوزه مورد توجه واقع شود. اگر شاخص‌های هر یک از این منابع رشد کند، قدرت ملی ما افزایش می‌یابد. معاون وزیر خارجه با تاکید بر این که فرهنگ سیاسی و فرهنگ اقتصادی در کشور باید در کنار این مسائل رشد کند، خاطر نشان کرد: در فرهنگ سیاسی، پرهیز از جنجال‌های سیاسی، توجه جریان‌ها و شخصیت‌های سیاسی به

مشکلات اصلی کشور، جلوگیری از هدر رفت نیروها در مجادلات سیاسی و همچنین کاهش انتقادات و افزایش پیشنهادات باید مورد توجه واقع شود. قشقاوی افزود: گرچه برخی از این انتقادات و موضع‌گیری‌ها مفید است اما اینکه برخی فکر کنند که کشور دچار کمبود موضع‌گیری است، تفکر غلطی است. حتما باید شاخص‌های انتقادی کاهش یابد و تبدیل به شاخص‌های پیشنهادی شود. به عبارت دیگر، هر منتقدی باید احساس کند که افکار عمومی به صحبت‌هایش گوش نخواهد داد مگر این که پیشنهادی در کنار آن ارائه دهد. این نوع موضع‌گیری‌ها سبب بالندگی فکر می‌شود اما انتقاد بدون پیشنهاد، جمود فکری ایجاد می‌کند. ما و رسانه‌ها باید تلاش کنیم که زنگ انشا را به زنگ ریاضی تبدیل کنیم. انتقاد صرف و موضع‌گیری بدون پیشنهاد، حضور در کلاس انشاست در حالی که انتقاد همراه با پیشنهاد، زنگ ریاضی است. وی در خصوص فرهنگ اقتصادی نیز اظهار داشت: باید میان تولید ثروت و مصرف ثروت، تفکیک جدی صورت گیرد. باید به سرمایه‌داران احترام بگذاریم و سرمایه‌دارانی که مولد ثروت هستند، امتیازات ویژه‌ای داشته باشند. آنچه در اسلام مذموم است، اسراف، تبذیر و مصرف بی‌رویه ثروت است که در قالب تجمل‌گرایی و دنیاطلبی قرار دارد اما تولید ثروت باید تفکیک شود. معاون وزیر امور خارجه با بیان این که بچه‌های ارزشی و حزب‌اللهی باید پرچمدار حمایت

از سرمایه‌گذاری باشند، خاطر نشان کرد: باید در تمام اصول فکری بسیجی ما، حمایت از سرمایه‌گذار و سرمایه‌داری مشروع موج بزند تا بخش خصوصی تقویت شود و قدرت ملی ما افزایش یابد. راه اقتصاد مقاومتی، تقویت بخش خصوصی و احترام به سرمایه‌گذاری است. باید میان «سرمایه‌گذار» و «سرمایه‌بر» تفکیک قائل شویم؛ سرمایه‌بری عمل مذمومی است اما سرمایه‌گذاری ممدوح است. قشقاوی با تاکید بر این که باید میان تولید ثروت و مصرف ثروت تفکیک قائل شویم، گفت: سیستم بانکی، مالیاتی، گمرکی و... باید به تولید سرمایه احترام بگذارند. اگر مولدان ثروت، معوقات بانکی دارند، نباید اصرار کنیم که سپرده‌گذاران پول خود را به بانک باز گردانند اما در عین حال سیستم بانکی و قانونی نباید در برابر کسانی که در حوزه دلالی و غیر کار آفرینی فعالیت می‌کنند، کوتاه بیاید. وی ادامه داد: بخش خصوصی ما توجه لازم را از سوی بخش حکومتی نمی‌بیند. بهترین راه پیشبرد سیاست خارجی ما این است که به اقتصاد مقاومتی که پایه اقتصادی داخلی دارد، تکیه کنیم که یکی از آنها سرمایه ایرانیان داخل و خارج از کشور است. سرمایه ایرانیان خارج از کشور، حدود هزار میلیارد دلار است؛ یعنی رقمی بالغ بر چندین برابر بودجه سالانه کشور. یکی از راه‌های اقتصاد مقاومتی و تقویت قدرت ملی ما این است که این رقم را جذب کنیم.

خبرگزاری تسنیم: معاون بین‌الملل حزب مؤتلفه گفت: تقویت نقش منطقه‌ای و افزایش عمق استراتژیک ایران در جهان می‌تواند به نقش آفرینی کشورمان در نظم جدید منجر شود. حمیدرضا ترقی در گفت‌وگو با تسنیم،

اقتداری که در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ترسیم شده برسد، از یک سو دشمنان انقلاب اسلامی نمی‌توانند از کشور ما باج بگیرند و از سوی دیگر می‌تواند در برابر توطئه‌ها برای کشور ما نقش تهدیدزدایی داشته باشد و دسیسه‌های

اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی باشیم. معاون بین‌الملل حزب مؤتلفه اسلامی با بیان اینکه تقویت نقش منطقه‌ای و افزایش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در جهان می‌تواند به



با اشاره به فرمایشات رهبر معظم انقلاب مبنی بر تقویت قدرت کشور برای نقش آفرینی در نظم جدید جهان، گفت: رهبر معظم انقلاب پیش از این نیز چندین بار بر لزوم قدرتمند شدن کشور تاکید کرده بودند. ترقی خاطر نشان کرد: مقام معظم رهبری تاکید داشته‌اند که اگر کشور ما بتواند در عرصه دفاعی، علمی، فرهنگی و اقتصادی تقویت شود و به

استکبار جهانی را نقش بر آب کند. وی افزود: وظیفه دولت و مسئولان این است که در این چهار محور زمینه تقویت نظام را به گونه‌ای فراهم کنند که ما هم قدرت اول منطقه باشیم و هم عمق استراتژیک نظام جمهوری اسلامی ایران در جهان و منطقه افزایش یابد و ریشه نفوذ جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مختلف دنیا، روز به روز گسترش یابد تا از این طریق، ما شاهد

نقش آفرینی کشورمان در نظم جدید منجر شود، خاطر نشان کرد: زمانی آمریکایی‌ها به دنبال ایجاد نظم جدید جهانی بودند، اما امروز با شکست‌های پی‌درپی در مناطق مختلف جهان روبه‌رو شده‌اند و خودشان هم می‌دانند که رسیدن به چنین هدفی، بیشتر به آرزو شبیه است. این شرایط بسیار مناسبی برای ایران است که در این زمینه میدان‌دار و نقش آفرین شود.